اَلتَّمرينُ السّابِعُ: عَيِّنِ «الْحالَ» فِي الْعِباراتِ التّالِيَةِ.

معین کن حال را در عبارات زیر.

١ــ مَنْ عاشَ بِوَجْهَيْنِ، ماتَ خاسِراً.
حال
هرکس زندگی کند با دو رویی، زیان کار می میرد.

٢ــ أَقوَى النّاسِ مَنْ عَفا [1] عَدوَّهُ مُقتَدِراً.
حال
قوی ترین مردم کسی است که عفو کند دشمنش را مقتدرانه (در حال قدرتمندی)

٣ــ عِندَ وُقوعِ الْمَصائِبِ تَذهَبُ الْعَداوَةُ سَريعَةً.
حال
هنگام وقوع مصیبت ها می رود دشمنی به سرعت

٤ــ مَنْ أَذْنَبَ [2] وَ هوَ يَضْحَكُ، دَخَلَ النّارَ وَ هوَ يَبكي.
حال جمله اسمیه — حال جمله اسمیه
هرکس گناه کند در حالی که می خندد وارد آتش می شود در حالی که می گرید.

٥ــ يَبقَى الْمُحسِنُ حَيّاً وَ إنْ نُقِلَ إلىٰ منازِلِ الْأَمواتِ.
حال
نیکوکار زنده می ماند هرچند به خانه های مردگان منتقل شود.

٦ــ إذا طَلَبْتَ أَنْ تَنجَحَ في عَمَلِكَ فَقُمْ بِهِ وَحيداً وَ لا تَتَوَكَّلْ عَلَى النّاسِ.
حال
هرگاه خواستی که موفق شوی در کارت پس اقدام کن به آن به تنهایی و توکل نکن بر مردم.

١- **عَفا:** عفو کرد ٢- **أَذْنَبَ:** گناه کرد